

## کتاب «حقوق بین الملل عمومی» اثر محمد مظاهر (صدیق حضرت)؛ گواهی بر بیش از یک قرن ترجمه و تالیف حقوق بین الملل در ایران

صادق بشیره\*

DOI: 10.22034/iruns.2025.515154.1170

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

### چکیده

کتاب هفتصد صفحه‌ای حقوق بین الملل عمومی اثر محمد مظاهر ملقب به صدیق حضرت در سال ۱۲۹۰ کتابت شد و به عنوان یکی از نخستین منابع فارسی حقوق بین الملل تا سال‌های متمادی مورد استفاده دانشجویان حقوق بود. رفته رفته به خصوص پس از تحولاتی که حقوق بین الملل با تجربه تلخ دو جنگ جهانی به خود دیده بود، این کتاب ارزشمند جای خود را به کتب حقوق بین المللی جدید و به روز داد. اکنون بیش از یک قرن از نشر کتاب صدیق حضرت گذشته و این اثر بخشی از تاریخ حقوق ایران بوده که مستلزم مطالعه، تدقیق و بررسی است تا به عنوان میراث علمی این سرزمین حفظ و به نسل‌های بعدی انتقال یابد. به همین منظور و به بهانه بازنشر این کتاب در سال ۱۴۰۳ توسط انتشارات دایرةالمعارف ایرانشناسی، مقاله حاضر نگاهی تحلیلی به مطالب آن داشته و

---

\* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی و مسئول کمیته جوانان انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد  
(sadeghbashire75@gmail.com)

به معرفی مختصر اثر و نویسنده‌اش پرداخته است؛ کتاب گران سنگی که گواهیست بر بیش از یک قرن ترجمه و تالیف حقوق بین‌الملل در ایران.

**واژگان کلیدی:** محمد مظاهر کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، تاریخ حقوق بین‌الملل، حقوق ایران.

### مقدمه

مطالعه کتابی حقوق بین‌المللی به فارسی یک قرن پیش و ماجرای حقوق بین‌الملل در زمانی که هنوز جنگ‌های جهانی وقوع نیافته و شنیدن از دنیای بدون سازمان ملل متحد به‌ویژه از زبان نگارنده‌ای زبده در محتوا، آشنا به صنایع ادبی و از همه مهم‌تر کسی که خود در آن عصر زیست نموده، برای نگارنده این سطور همراه با التذاد ادبی و حقوقی‌ای بود که انتقال آن به دیگر علاقه‌مندان، انگیزه نگارش این مقاله مختصر شد. حفظ این قبیل آثار و انتقال چنین داشته‌هایی به آیندگان که نوعی میراث علمی و فرهنگی محسوب می‌شوند، اما از این انگیزه و التذاد شخصی به مراتب مهم‌تر بوده و از ضرورتی اجتماعی حکایت دارد.

مطالعه کتاب محمد مظاهر (صدیق حضرت)<sup>۱</sup> به خوبی بیانگر اولویت‌های مباحث حقوق بین‌المللی زمان زیست او و مسائلی است که اینک اهمیت خود را از دست داده‌اند. چرا که سرعت توسعه و رشد مباحث حقوق بین‌الملل به قدری زیاد است و موضوعات به گونه‌ای دستخوش تغییر و تحول می‌شوند که طی طریق در این رشته دائماً مستلزم مطالعه منابع به‌روز و نوین است. لذا حین مطالعه این اثر، قیاس مطالب آن با مسائل امروز حقوق بین‌الملل جلب توجه می‌کند. از این حیث غور در چنین آثاری می‌تواند مفید فواید علمی به‌خصوص پیرامون تاریخ حقوق و حقوق بین‌الملل در ایران باشد. به‌رحال آنچه امروز به فارسی در دست داریم، کم است یا زیاد، محصول تلاش‌هایی است که طی تاریخ برای ترجمه و تالیف و آموزش و پژوهش حقوق بین‌الملل انجام شده است. نگاهی به این فرایند تاریخی، نه بازگشت بلکه دورخیز برای حرکت رو به جلوست.

<sup>۱</sup> - پس از سال‌ها، این کتاب توسط صادق بشیره پیاده‌سازی و ویراستاری شد و با مقدمه پروفیسور سیدحسین امین، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه گلاسکو کالدونیان انگلستان، توسط انتشارات دایرة‌المعارف ایرانشناسی در سال ۱۴۰۳ تجدید چاپ شد.

کتاب «حقوق بین‌الملل عمومی» اثر محمد مظاهر (صدیق حضرت)؛ \_\_\_\_\_ بشیره

### ۱) مختصری درباره محمد مظاهر (صدیق حضرت)

محمد مظاهر ملقب به صدیق حضرت (۱۲۵۳ - ۱۳۳۳) از نخستین دانشجویانی بود که در دوره ناصری به اروپا رفت و در پاریس حقوق خواند. پس از بازگشت به ایران به استخدام دربار ناصرالدین شاه قاجار و سپس وزارت امور خارجه درآمد. او از مشروطه‌خواهان بود و پس از انقلاب مشروطه ایران از تهران به مجلس شورای ملی راه یافت و در دوره اول و دوم مجلس شورای ملی نماینده بود. وی از سال ۱۲۷۹ به‌عنوان استاد وارد مدرسه عالی علوم سیاسی شد و با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ به‌عنوان استاد حقوق بین‌الملل به دانشگاه تهران منتقل گردید. کتاب «حقوق بین‌الملل عمومی» او در سال ۱۲۹۰ خورشیدی یعنی سال‌های آغازین حکومت احمد شاه قاجار برای نخستین بار به خط نستعلیق مرتضی حسینی برغانی و به‌شیوه چاپ سنگی در کارخانه آقا میرزا علی اصغر و از سوی کتابخانه و مغازه علمیه مظفریه خیابان ناصریه مقابل تلگرافخانه طهران به چاپ رسید. این اثر منبع تدریس صدیق حضرت و برای چند دهه متن درسی دانشجویان علوم سیاسی و حقوق بود.

مهم‌ترین ویژگی این کتاب که اثری بی‌همتا برای آموزش و پژوهش حقوق بین‌الملل در آن دوران بود، جامعیت مطالب و استفاده از مصادیق به‌روز و به‌جا برای تبیین نکات ثقیل حقوقی است. نگاهی اجمالی به فهرست کتاب مؤید جامعیت اثر در آن عصر و در برگیری مسائل مبنایی حقوق بین‌الملل از تابعان و منابع گرفته تا موضوعات مهمی چون حقوق دیپلماتیک و کنسولی، حقوق دریاها، حقوق مخاصمات مسلحانه و... است.

آشنایی نگارنده به زبان‌های خارجی از جمله تسلط بر زبان فرانسوی و بهره‌گیری بیشتر وی از ترجمه تا تالیف، سبب شده تا این که کتاب در عین متقدم بودن، پیشرفته و کم‌عیب و نقص باشد. با این همه، متن کتاب روان بوده و از مهارت نگارنده در قلم‌زدن حکایت دارد؛ به طوری که ضمن بهره‌گیری از ادبیات تخصصی، مسائل ساده و روشن بیان شده و حتی امروز با گذشت بیش از صدسال که نثر فارسی و به‌خصوص نوشتارهای علمی و تخصصی بسیار متحول شده‌اند، کماکان قابل فهم است.

## ۲) نگاهی اجمالی به مطالب کتاب

به‌طور کلی می‌توان مباحث مطروحه در کتاب صدیق حضرت را به سه بخش تقسیم نمود. نخست مباحثی که کماکان کاربرد دارند و یا به‌عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل سنتی در آن مباحث نوآوری و تکامل به‌خصوصی نداشته است. مباحث مربوط به شناسایی دولت‌ها از این دسته است. دوم مباحث متروک‌شده مانند آن‌جا که کتاب بحث از تاثیر حقوق بین‌الملل عمومی بر حقوق بین‌الملل خصوصی از حیث تاثیر جنگ‌ها و کشورگشایی‌ها بر تابعیت اشخاص می‌کند و سوم مباحث ظاهراً متروک. چنان که فی‌المثل امروزه در کتب حقوق بین‌المللی معمول است که از حقوق بی‌طرفی به‌سادگی گذر نموده و آن را امری متروک می‌پندارند اما اینک مجدداً با وقوع برخی جنگ‌ها لزوم بازخوانی و بازنمایشی در این قبیل مباحث محسوس گردیده است. ورود به جزئیات مسائل جنگ اعم از زمینی و دریایی مثل آثار حقوقی تصرف و حقوق و تکالیف کشور تصرف‌کننده و کشور مورد تصرف و حتی مردم آن و همچنین بحث از مزدوری برای یک کشور در جنگ‌های دریایی در زمره این قسم سوم قرار دارند.

در زمانه خود اما کتاب گام‌های روبه‌جلویی نیز برداشته است؛ به‌طوری که به‌بهبانه بررسی سازمان‌هایی که در حال شکل‌گیری و تاسیس بودند، به برخی مسائل مستحدثه و نو آن زمان از جمله حقوق مالکیت معنوی نیز ورود پیدا کرده است. نگارنده همچنین علاقه‌مند بوده است که اندکی در تشریح قراردادهای سرمایه‌گذاری توقف نماید که در کتب حقوق بین‌الملل عمومی حتی برای امروز چندان مرسوم نیست.

سیر و نحوه چینش مطالب نیز در نوع خود قابل توجه است. به‌این ترتیب که کتاب با تدقیق و تفصیل در مباحث پیرامون دولت به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر حقوق بین‌الملل، انواع و مسائل حقوقی مرتبط با آن آغاز و به‌همین مناسبت منازعه قدرت در اروپا و شکل‌گیری دولت‌ها تشریح می‌شود. این بخش حدوداً یک‌سوم کتاب را تشکیل می‌دهد و ازجایی که اروپای پس از وستفالیاستگاه حقوق بین‌الملل نوین است، گویای تاریخ حقوق بین‌الملل، مبانی و فلسفه آن نیز هست و ماجرای

کتاب «حقوق بین الملل عمومی» اثر محمد مظاهر (صدیق حضرت)؛ \_\_\_\_\_ بشیره

جنگ‌ها و صلح‌ها به عنوان مهم‌ترین مسائل حقوق بین الملل و چگونگی شکل‌گیری قواعد آن در میانه این وقایع را روایت می‌کند.

در تداوم مباحث پیرامون دولت، مفصلاً در باب حقوق و تکالیف دولت‌ها سخن می‌گوید و آن را به دو بخش طبیعی یعنی به صرف دولت بودن مثل رعایت بی طرفی در جنگ‌ها و عارضی مثلاً از طریق معاهدات تقسیم می‌کند. حقوق طبیعی مد نظر نگارنده اما بیشتر عرفی هستند و لذا کتاب در مباحث حقوق و تعهدات دولت‌ها بر قواعد عرفی تکیه دارد؛ بی آنکه فی نفسه چندان عرف را تبیین نماید. این در حالی است که در ادامه تمرکز قابل اعتنایی بر تشریح مسائل مربوط به انواع معاهدات و مراحل آن از انعقاد تا اختتام دارد. در همین بخش به عنوان حقوق و تکالیف دول، از حکمرانی داخلی و خارجی و مداخله در امور سایر دول سخن به میان می‌آورد که حاوی مسائل بسیار فنی و در عین حال جذاب است؛ به خصوص که با مثال‌هایی از وقایع آن روزگار همراه شده‌اند.

معاهدات اما به عنوان منابع موجد حقوق و تکالیف دولت‌ها در روابطشان با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و چنان که امروزه در کتب حقوق بین الملل معمول است، از معاهدات ذیل عنوان مجزای منابع حقوق بین الملل یاد نشده است. در واقع ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری است که نویسندگان حقوق بین الملل پیرامون مبحث منابع حقوق بین الملل آن را مستند قرار می‌دهند که در زمان نگارش کتاب موجود نبوده و اساساً به رغم استنادات متعدد کتاب به معاهدات بین المللی پیداست که در بسیاری از عناوین رویه دولت‌ها مبتنی عمل بوده است.

سخن از رویه قضایی به عنوان منبع حقوق بین الملل بسیار نادر است؛ به خصوص که هنوز محاکم بین المللی رواج چندانی نداشته‌اند و گاه‌گاه استنادات به آرای قضایی نیز بیشتر متوجه نظامات حقوقی داخلی از جمله محاکم فرانسه است. در واقع حل و فصل اختلافات بین الملل به شیوه مسالمت‌آمیز به ویژه از طریق ارجاع به محاکم بین المللی در زمان نگارش اثر در حالت بدوی قرار داشته و به تازگی سخن از تشکیل دیوان‌های داوری بوده است. با این حال صدیق حضرت به این موضوع نگاه واقع‌بینانه‌ای داشته و در عین ابراز خوش‌بینی از آتیه چنین رسیدگی‌هایی، برخی

ملاحظات وابسته به طبع حقوق بین‌الملل را بیان داشته است. در خور توجه است که اشاره به دکتربین نیز مورد توجه نگارنده بوده و از نویسندگان و نظرات مختلفشان به فراخور بحث یاد نموده و گاهاً نظرات خود را نیز به‌عنوان جمع‌بندی اضافه نموده است.

### ۳) تجلی مسائل «ایران» در کتاب

از دیگر نکات آن است که اشاره به ایران و مسائل آن در عالم حقوق بین‌الملل چندان در کتاب چشمگیر نیست و به جز چند مورد خاص، نامی از کشورمان در این اثر برده نمی‌شود. بخش زیادی از کتاب به شرح جزئیات حقوق دیپلماتیک و کنسولی پرداخته است که از جمله مسائل با قدمت حقوق بین‌الملل هستند. این از مواردی است که ذیل موضوع کاپیتولاسیون به ایران نیز اشاره شده است. به‌طور خاص در جایی از کتاب که مباحث حقوق معاهدات را با جزئیات بررسی می‌نماید، در باب تصویب معاهدات به قوانین داخلی کشورهای مختلف رجوع می‌نماید و اینجاست که به‌آنچه در حقوق ایران مقرر است، ورود پیدا می‌کند.

حقوق دریاها نیز از مباحث مهم کتاب است. به‌طوری‌که حتی جنگ را به دو فصل جنگ زمینی و دریایی تقسیم می‌کند. هرچند طبیعی است که سخنی از جنگ‌های هوایی در میان نباشد اما جلوتر به استفاده از بالن‌ها برای پرتاب مواد منفجره پرداخته است. جالب این که هنگام تدقیق در حقوق دریاها، نگارنده از گروسیوس و اثر او ذیل مباحث مرتبط با آزادی دریاها در قالب یک case (پرونده) یاد می‌کند و برای گروسیوس از عبارت «یکی از نویسندگان» بهره می‌برد و هیچ در مدح او چنان‌که امروز معمول است که گروسیوس پدر دانش حقوق بین‌الملل است، سخنی به‌میان نمی‌آورد. در ادامه او پیرامون حقوق و تکالیف دولت‌های ساحلی دریاها محصور در خشکی، از تاثیری که عهدنامه ترکمنچای بر حقوق ایران در دریای خزر گذاشته است، یاد می‌کند.

#### ۴) حقوق بین‌الملل صدیق حضرت؛ حقوق جنگ و صلح

امروزه بشر آن‌چنان به قاعده منع توسل به زور تکیه داشته که مخاصمات بالفعل و بالقوه میان روسیه و اوکراین، عربستان و یمن، آذربایجان و ارمنستان و فجایی که در فلسطین در حال وقوع است را تصور نمی‌نمود. در این اثر اگرچه زمزمه‌هایی از تفسیح جنگ و مخاصمات به میان می‌آید اما هنوز موضع ممنوعیت جنگ چندان قوام نیافته و پیداست که نگارنده دورنمای خوش‌بینانه‌ای از جهان بدون جنگ ندارد. او این عقیده را آن‌جا که از خلع سلاح سخن گفته، به‌صراحت بیان می‌کند.

برهمن اساس در این کتاب بیش از آن‌که از حق بر جنگ به‌طور سلبی یاد شود، به موارد ایجابی اشاره شده و گویی کماکان اصل بر جنگ است. به‌طوری‌که نگارنده از مخاصمه به‌عنوان یک ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل یاد نموده است. به این ترتیب او خود را از غور در حق در جنگ، حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه بین‌المللی بی‌نیاز ندیده و قسمت قابل‌اعتنایی از مباحث کتاب را به این موضوعات اختصاص داده است. در سایر موضوعات مطروحه مانند حقوق دریاها نیز چنان‌که بیان شد، سایه جنگ و صلح ملموس است.

اکنون به‌رغم همه پیشرفت‌های حقوق بین‌الملل و شاخه‌های مرتبط با آن از جمله حقوق بشر، تورم و توسعه هنجاری آن و پژوهش‌هایی که روزبه‌روز منتشر شده و مدعی گسترش دایره حق‌های بشری در موضوعات و وقایع مختلف است، کماکان دولت‌ها بی‌محابا برای منافع ادعایی خود به‌زور متوسل می‌شوند. به عکس این توسعه یافتگی، آن‌ها هر لحظه قابلیت بازگشت به بدویت را به‌خصوص در این لباس نو و ظاهر زیبا دارند. این وضعیت بیم و امید، هر آینه افکار عمومی را در مورد بنیان‌های حقوق بین‌الملل با تشکیک و تردید مواجه می‌کند. این بدان معناست که جهان و حقوق بین‌الملل امروز چندان هم از حقوق بین‌الملل صدیق حضرت فاصله نگرفته است؛ حقوق بین‌المللی که ماجرای جنگ‌ها و صلح‌ها دغدغه و مسئله اساسی آن است.

## ۵) تلاش‌ها برای احیای کتاب

لازم به ذکر است که این اثر یک مرتبه در سال ۱۳۳۵ به کوشش ایرج جهانشاهی قاجار تصحیح و بازنشر شده و از چاپ سنگی به چاپ حروفچین تبدیل گشته است. اثری که جهانشاهی به فاصله ۴۴ سال منتشر نموده، مطالعه محتوای حقوقی را سهولت بخشیده و اقتضای آن موقع بوده است تا منبع به‌روزی برای مطالعه دانشجویان در دست باشد. اما اینک با گذشت بیش از یک قرن، کار ایرج جهانشاهی نیز از قافله حقوق بین‌الملل عقب مانده و منابع پرشماری در موضوعات مختلف حقوق بین‌الملل در دسترس علاقه‌مندان است. لذا از حیث محتوای حقوق بین‌المللی، دانشجو و پژوهشگر حقوق بین‌الملل بی‌نیاز از این قبیل کتب بوده و به‌روزرسانی آن نیز چندان مفید فایده نخواهد بود. به‌همین دلایل، نگارنده این سطور در تلاش اخیر خود، اقدام به ویراستاری و بازنشر این اثر گران‌سنگ از انتشارات دایرة‌المعارف ایرانشناسی نموده، بی‌آنکه در محتوای آن دخل و تصرفی داشته باشد. در واقع مقصود آن بوده است که این اثر حفظ و جهت مطالعات تاریخ حقوق در دسترس پژوهشگران قرار گیرد. براین اساس تلاش شده است که مطالب عیناً با نسخه سنگی تطابق داشته باشند؛ حتی به‌لحاظ نگارشی و مسائل زبان فارسی.

## نتیجه‌گیری

بی‌نیاز از توضیح است که حفظ آثار قدما به‌خودی‌خود و همچنین از حیث مطالعات تاریخی از چه جایگاه و ضرورتی برخوردار است. صرف دانستن آن که از صد سال گذشته تا به‌حال در دانش حقوق بین‌الملل چه مسیری طی شده و برای طی نمودن این طریق چه کسانی چه زحماتی را متقبل شده‌اند، ارزشمند است. گاه برای اثبات هویت‌مان نیاز نیست که تاریخ را از ابتدا آغار کنیم و فقط کافیست که یک گام به‌عقب گذاشته و گذشته نه‌چندان دوری که قریب است به‌فراموشی سپرده شود را یادآوری کنیم. بی‌تردید پژوهش‌ها پیرامون تاریخ حقوق و به‌طور خاص حقوق بین‌الملل در ایران بدون تدقیق در چنین متونی امکان‌پذیر نیست و بازنشر این اثر مقدمه‌ای برای دیگر پروژه‌های بزرگ است.